

پاسخ نامه آیین دادرسی مدنی

سوال 21 

طبق ماده ۲۹۵ ق.آ.د.م، دادگاه در صورت امکان باید در همان جلسه ختم دادرسی رأی را صادر و اعلام کند. اگر این امر ممکن نبود، باید حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ ختم دادرسی رأی را انشاء و اعلام نماید.

سوال 22 

مطابق ماده ۲۹۸ ق.آ.د.م، اگر دعوا قابل تجزیه باشد و فقط بخشی از آن آماده صدور رأی باشد، دادگاه مکلف است با درخواست خواهان نسبت به همان قسمت رأی صادر کند و رسیدگی را در قسمت دیگر ادامه دهد.

سوال 23 

طبق ماده ۳۰۳ ق.آ.د.م، رأی دادگاه اصل بر حضوری بودن دارد، مگر اینکه:

1. خوانده یا وکیل یا نماینده‌اش در هیچ جلسه‌ای حاضر نشود.

2. به صورت کتبی نیز دفاع نکرده باشد.

3. اخطاریه به او ابلاغ واقعی نشده باشد.

در فرض سؤال، همه‌ی این شرایط جمع است؛ پس رأی صادره غیابی خواهد بود.

سوال  24

طبق تبصره ۲ ماده ۳۰۶ ق.آ.د.م:

اصل بر این است که اجرای حکم غیابی متوقف بر معرفی ضامن یا تأمین مناسب از سوی محکوم‌له است.

مگر اینکه دادنامه یا اجراییه به طور واقعی به محکوم علیه غایب ابلاغ شده باشد و او در مهلت مقرر واخواهی نکرده باشد. در فرض سؤال، چون ابلاغ قانونی بوده (نه واقعی)، شرط استثنا محقق نشده؛ بنابراین برای اجرای حکم، محکوم له باید ضامن معتبر یا تأمین متناسب بدهد.

سوال 25 

ماده ۳۰۸ ق.آ.د.م تصریح دارد:

اصل بر این است که رأی صادره در واخواهی فقط بین واخواه و واخوانده مؤثر است.

اما اگر رأی صادره قابل تجزیه و تفکیک نباشد، اثر آن نسبت به سایر محکوم علیه‌هایی که واخواهی نکرده‌اند هم تسری پیدا می‌کند.

در دعوی تضامنی، چون ماهیت محکومیت قابل تجزیه نیست، نقض حکم به نفع یک خواننده به سایرین

هم سرایت می کند.

سوال 26 

طبق بند (الف) ماده ۳۳۱، چون دعوای مالی با خواسته بیش از سه میلیون ریال است، اصل دعوا قابل تجدیدنظر است.

طبق بند (ج) همان ماده، متفرعات دعوا (مانند هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل) نیز وقتی حکم نسبت به اصل دعوا قابل تجدیدنظر باشد، قابل تجدیدنظر خواهد بود.

سوال 27 

طبق ماده ۳۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی، قرارهای مذکور (از جمله قرار رد دعوا) فقط در صورتی قابل تجدیدنظر هستند که حکم راجع به اصل دعوا نیز قابل تجدیدنظر باشد.

اینجا چون دعوای مالی با خواسته ۴ میلیون ریال

مطرح شده (بیش از سه میلیون ریال → ماده ۳۳۱)،  
اصل دعوا قابل تجدیدنظر است؛ بنابراین قرار رد دعوا  
هم قابل تجدیدنظر می‌باشد.

## سوال 28

بر اساس ماده ۳۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی، توافق  
کتبی طرفین بر اسقاط حق تجدیدنظر معتبر است و  
در این صورت تجدیدنظرخواهی آنان مسموع نیست.  
اما استثنا این است که در خصوص صلاحیت دادگاه یا  
قاضی صادرکننده رأی، امکان تجدیدنظرخواهی باقی  
می‌ماند.

بنابراین در فرض سؤال، چون خوانده به عدم  
صلاحیت قاضی استناد کرده، تجدیدنظرخواهی فقط  
از این حیث پذیرفته می‌شود.

## سوال 29

مطابق ماده ۳۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی:

1. اگر دادخواست تجدیدنظر ناقص باشد و تکمیل نشود، دادگاه قرار رد دادخواست صادر می‌کند.

2. اعتراض به این قرار فقط از سوی تجدیدنظرخواه امکان‌پذیر است، نه تجدیدنظرخوانده.

3. مهلت اعتراض ۱۰ روز از تاریخ الصاق به دیوار دادگاه می‌باشد.

سوال  30

طبق ماده ۳۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی:

1. اگر تجدیدنظرخواه فوت کند قبل از انقضای مهلت تجدیدنظر، مهلت جدید برای او شروع نمی‌شود، بلکه مهلت برای وارث یا قائم‌مقام قانونی او از نو محاسبه می‌شود.

2. تاریخ شروع مهلت جدید، تاریخ ابلاغ حکم یا قرار به وارث یا نماینده قانونی او است.

3. بنابراین، شروع مهلت از تاریخ ابلاغ به وارث یا قائم مقام قانونی خواهد بود.

سوال 31 

طبق ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی:

1. جهات درخواست تجدیدنظر مشخص شده‌اند، از جمله عدم توجه قاضی به دلایل ابرازی و مخالف بودن رای با موازین شرعی.

2. تبصره ماده ۳۴۸ تصریح می‌کند که اگر تجدیدنظرخواه به استناد یکی از جهات درخواست داده باشد، در صورت وجود جهات دیگر نیز مرجع تجدیدنظر باید به آنها رسیدگی کند.

3. بنابراین، دادگاه تجدیدنظر ابتدا به جهت ذکر شده رسیدگی می‌کند و در صورت وجود سایر جهات، به آن‌ها نیز رسیدگی می‌نماید.

### سوال 32

طبق ماده ۳۵۰ قانون آیین دادرسی مدنی، نقص یا عدم رعایت شرایط قانونی دادخواست در مرحله بدوی به تنهایی موجب نقض رأی در تجدیدنظر نمی‌شود و دادگاه تجدیدنظر ابتدا به خواهان اخطار می‌دهد تا ظرف ۱۰ روز نسبت به رفع نقص اقدام کند. در صورت عدم اقدام یا عدم احراز سمت، سپس قرار رد دعوا صادر می‌شود.

### سوال 33

طبق ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی:

اگر دادگاه تجدیدنظر قرار مورد شکایت را خلاف موازین قانونی تشخیص دهد، آن را نقض می‌کند.

سپس پرونده برای رسیدگی ماهوی به دادگاه صادرکننده عودت داده می‌شود.

دادگاه تجدیدنظر خود مستقیماً رسیدگی ماهوی نمی‌کند، مگر در موارد خاص دیگر قانون.

سوال 34 

طبق ماده ۳۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی:

رای دادگاه تجدیدنظر تنها نسبت به طرفین تجدیدنظرخواهی موثر است.

مگر آنکه رای قابل تجزیه و تفکیک نباشد. در این صورت نسبت به کسانی که مشمول رای بدوی بوده ولی تجدیدنظرخواهی نکرده‌اند، نیز تسری می‌یابد.

در مثال فوق، فرض بر این است که رای قابل تجزیه است، بنابراین نسبت به آقای رضا تسری ندارد.

### سوال 35

طبق ماده ۶۶ قانون دیوان عدالت اداری، تجدیدنظرخواهی می‌تواند با تقدیم دادخواست به دفتر شعبه صادرکننده رأی، دبیرخانه یا دفاتر اداری دیوان انجام شود و رئیس دیوان پس از دریافت، آن را به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع می‌دهد. بنابراین اقدام خانم ب صحیح بوده و ارجاع دادخواست به شعبه تجدیدنظر قانونی است.

### سوال 36

طبق ماده ۷۵ قانون دیوان عدالت اداری، اگر حداقل دو قاضی از سه قاضی یا یک قاضی از دو قاضی صادرکننده رأی، به اشتباه شکلی یا ماهوی پی ببرند، باید مراتب را با ذکر دلیل به رئیس دیوان اعلام کنند. سپس رئیس دیوان پرونده را جهت رسیدگی و صدور رأی به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌دهد. بنابراین اقدام قانونی، گزینه 3 است.

### سوال 37

طبق ماده ۷۹ قانون دیوان عدالت اداری، اگر رئیس دیوان یا رئیس قوه قضائیه رأی قطعی شعب دیوان را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهند، رئیس دیوان فقط برای یک بار با ذکر دلیل پرونده را برای رسیدگی ماهوی و صدور رأی به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌کند. رأی صادرشده پس از آن قطعی خواهد بود.

سوال 38 

طبق ماده ۱۴۰ قانون اجرای احکام مدنی، وقتی ملک مشاع است، فقط سهم محکوم‌علیه به فروش می‌رسد مگر اینکه سایر شرکا راضی به فروش کل ملک باشند. بنابراین در شرایط مطرح‌شده، سهم محکوم‌علیه به فروش می‌رسد و طلب و هزینه‌های اجرایی فقط از حصة محکوم‌علیه پرداخت می‌شود.

سوال 39 

طبق ماده ۱۴۴ قانون اجرای احکام مدنی، مالک دو ماه فرصت دارد تا بدهی، خسارات و هزینه‌های اجرایی را

بپردازد و مانع انتقال ملک به محکوم‌له شود. اگر مالک فقط بخشی از بدهی را پرداخت کند، دادگاه بعد از انقضای مهلت دو ماه، دستور انتقال سهمی از ملک معادل بدهی پرداخت نشده به محکوم‌له را صادر می‌کند. در این مثال، با پرداخت ۲۰٪ بدهی، بخشی از سهم ۳۰٪ که معادل ۱۰٪ بدهی باقی مانده است به محکوم‌له منتقل می‌شود.

#### سوال 40

طبق ماده ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی، اگر ادعای شخص ثالث مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر توقیف باشد، توقیف رفع می‌شود. در این مثال، سند ارائه شده توسط «ج» عادی است و رسمی نیست، بنابراین عملیات اجرایی تعقیب می‌شود و شخص ثالث می‌تواند به دادگاه شکایت کند تا ادعای خود را ثابت کند.